

تبیین مفهومی منجی در قرآن و عهدین

پذیرش: ۱۳۹۳/۱/۳۰

دریافت: ۱۳۹۲/۶/۳۰

چکیده

ارتباط و نیاز مخلوقات به امام، مانند ارتباط آفرینش آن چیزی که در زمین است، با آفرینش آدم و بنی آدم است، و به همین دلیل تشکیل جامعه‌ای که در آن ستم مفهومی نداشته باشد، و ستمگر بر سرنوشت مردم آن مسلط نباشد، دغدغه بشر از گذشته تاکنون بوده است، لذا مسئله مهدویت در کتاب‌های آسمانی مطرح شده است. در عهدین، امید بستن به جهانی روشن و نورانی که در آن آدمی بر همه خواسته‌های خود کامیاب، و از گناهان پاک شود، و از همه دلبستگی‌های مادی و جلوه‌های زشت آن رهایی یابد، و به وجود منجی که برآورنده آرزوها و نیازها است، ایمان بیاورد، آشکارا دیده می‌شود. ادیان یهودیت و مسیحیت در انتظار ظهور موعود و منجی جهان، که عدالت واقعی را در آخرالزمان در سراسر جهان برقرار نماید، به سر می‌برند؛ البته نجات‌دهنده واقعی، خداوند قادر و عالم بر همه چیز است. در این مقاله سعی شد به طور اجمالی به این مسئله پرداخته شود، که منجی بشریت در ادیان بزرگ کنونی چگونه بیان شده است.

واژگان کلیدی: منجی، قرآن، انجیل، رجعت

مقدمه

با همه اختلاف‌هایی که میان ملت‌ها و امت‌ها در طرز تفکر، آداب و رسوم، عشق‌ها و علاقه‌ها، خواسته‌ها و مکتب‌ها وجود دارد، همه آن‌ها به صلح و عدالت علاقه‌مند هستند. تقریباً همه کسانی که در این زمینه مطالعه دارند، متفق‌اند که تمام اقوام جهان در انتظار یک رهبر بزرگ به سر می‌برند که هر کدام او را به نامی می‌نامند. بنابراین، مسئله ایمان به ظهور یک نجات‌بخش بزرگ، یک اعتقاد عمومی و قدیمی در میان همه ادیان و اقوام و مذاهب شرق و غرب است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ص. ۱۳۶) هدف از مقایسه سیر اندیشه و اعتقاد نجات‌بخشی و تطور آن در هر یک از ادیان، و هم‌چنین برابری ادیان در اعتقاد به ظهور منجی، بیان این نکته نیست که دینی از دین دیگر در این مسئله خاص متأثر گردیده، و یا بر آن تأثیر گذاشته است.

آنچه در این پژوهش موردنظر است، این که موارد همانند یا مشترک ادیان کنار هم قرار گیرند، و این نتیجه کلی به دست آید: که اندیشه نجات بخشی و اشاره به موعودی که در پایان جهان خواهد آمد، و نظامی منطبق با قوانین الهی و آسمانی خواهد ساخت، در ادیان وجود دارد؛ اما این که این موعود کیست؟ چه موقع و کجا ظهور خواهد کرد؟ از جمله مسائل مورد اختلاف است.

وجه مشترک این که نجات دهنده آخرالزمان، از خاندان نبوت است، و دارای همه صفات پسندیده می باشد. در همه ادیان نوعی اعجاز در مسائل مربوط به موعود دیده می شود.

وصف جهان انتظار در ادیان گوناگون، الگوی واحدی دارد. جامعه ای است که در زمینه های فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی به ابتدال کشیده شده، فساد و تباهی به اوج خود رسیده؛ آن گاه است که فرج نزدیک است.

همه ادیان با عبارات و شیوه های واحدی از ویژگی های عصر انتظار یاد کرده اند. سبب این همسانی این است که در همه دوران ها و برای همه مردم، ستم، کینه و جنایت ناپسند بوده است. از این رو، انتظار جامعه ای بدون ظلم و تصور جامعه آرمانی از گذشته های دور تاکنون اندیشه بسیاری از دانشمندان و محققان بوده است، به گونه ای که هر یک از آنان طرحی جداگانه برای ایجاد جامعه آرمانی تدوین نموده است.

افلاطون^۱ و فارابی - با طرح مدینه فاضله - و فرانسیس بیکن^۲ از جمله این افراد هستند.

صبحدم بیک مسیحا دم جانان آمد گفت برخیز که آرام دم و جان آمد

۱- مبانی نظری

۱-۱- بیان مسئله

حکومت منجی در عهدین به اشکال مختلف بیان گردیده است.

در امثال سلیمان نبی آمده است:

زیرا که راستان بر زمین ساکن خواهند شد، و کاملان در آن باقی خواهند ماند؛ لیکن شریران از زمین منقطع

خواهند شد، و ریشه خیانتکاران از آن کنده خواهد گشت.

در مزموور داود می گوید:

منتظران خداوند، وارث زمین خواهند بود؛ اما حلیمان وارث زمین خواهند شد، و از فراوانی سلامتی متلذذ

خواهند گردید.

1. Plato
2. Francis Bacon

در اشعیاء نبی می گوید:

در ایام آخر واقع خواهد شد، که کوه خانه خداوند بر قله کوهها ثابت خواهد شد، و فوق تلها برافراشته خواهد گردید، و جمیع امتها به سوی آن روان خواهند شد.

در دانیال نبی می گوید:

در ایام این پادشاهان خدای آسمانها سلطنتی را که تا ابد زایل نشود، بر پا خواهد نمود، و این سلطنت به قومی دیگر منتقل نخواهد شد؛ بلکه تمامی سلطنتها را خرد کرده، مغلوب خواهد ساخت، و خود تا ابد استوار خواهد ماند.

در انجیل متی می گوید:

آن گاه علامت پسر انسان در آسمان پدیدار گردد، و آن وقت جمیع طوایف زمین سینه زنی می کنند، و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم می آید.

اینک گویه‌هایی مطرح می شود، که در این تحقیق سعی بر آن شده- با توجه به دیدگاه ادیان الهی- به تبیین آنها پرداخته شود:

- خداوند منتظران را از نعمت‌های خود بهره‌مند ساخته، و وارث زمین خواهد گردانید.
- یک حکومت واحد جهانی و همیشگی ایجاد خواهد شد.
- خلیفه خداوند، امامت همه جهان را به عهده خواهد گرفت.

۲-۱- تبیین موضوع

۱-۲-۱- اعتقاد بشریت به منجی موعود

در انتظار مصلح نجات‌بخش بودن، تنها اختصاص به شیعیان ندارد؛ بلکه در همه ادیان، اعتقاد به موعود وجود دارد.

بشر از ابتدای خلقت در آرزوی مصلح نجات‌بخشی است، که روزی با ظهور خود عدالت را بر روی کره خاکی برپا، و زمین را به قطعه‌ای از بهشت مبدل گرداند.

محمد امین زین‌الدین می گوید:

شکی نیست که اعتقاد به اصلاح جامعه از وضعیت موجود، از ابتدای تاریخ بشر در ذهن مردم وجود داشته است، و از عقاید اختصاصی دین اسلام نیست؛ زیرا در بین ادیان آسمانی قبل از ظهور اسلام مشاهده می‌کنیم، که همگی خبر از وقوع این حقیقت داده‌اند، و حتی صفات مصلح و راه‌کارهای اصلاحی او را نیز بیان کرده‌اند؛ هر چند نام او را مهدی، و دعوت اصلاحی او را به نام مهدویت نگذاشته‌اند.

این عقیده و فکر حتی به ادیان دیگر از قبیل زردشتی و برهمنی و... نیز سرایت کرده است. (زین‌الدین،

۱۳۷۱، ص. ۱۱)

علامه طباطبایی در این باره معتقد است:

در ادیان و مذاهب گوناگون که در جهان حکومت می‌کنند؛ مانند وثنیت، کلیمیت، مسیحیت، مجوسیت و اسلام، از کسی که نجات دهنده بشریت است، سخن به میان آمده است، و عموماً ظهور او را نوید داده‌اند؛ هر چند در تطبیق، اختلاف دارند.

حدیث متفق منقول از پیامبر اکرم ﷺ: «**الْمَهْدِي مِنْ وَدْي**»؛ اشاره به همین معناست. (طباطبایی، ۱۳۸۶، ص. ۱۵۰)

شهید مطهری نیز در این زمینه معتقد است:

اندیشه پیروزی نهایی حق، صلح و عدالت بر نیروی باطل، ستیز و ظلم و گسترش جهانی ایمان اسلامی، استقرار کامل و همه‌جانبه ارزش‌های انسانی، تشکیل مدینه فاضله و جامعه ایده‌آل، و بالاخره اجرای این ایده عمومی و انسانی به وسیله شخصیتی مقدس و عالی‌قدر، که در روایات متواتر اسلامی از او به «مهدی» تعبیر شده است، اندیشه‌ای است که کم و بیش همه فرق و مذاهب اسلامی، با تفاوت‌ها و اختلاف‌هایی بدان مؤمن و معتقدند. (مطهری، ۱۳۹۸، ص. ۵)

۱-۲-۲- ترسیم خطوط کلی برای روز موعود

ترسیم خطوط کلی برای روز موعود، به شروع خلقت باز می‌گردد؛ زیرا این روز، هدف و غرض اساسی برای خلقت است.

برای توضیح این مطلب به نکات زیر اشاره می‌شود:

۱- برای برپایی حکومت عدل جهانی دو شرط اساسی وجود دارد:

الف: شناخت کامل عدل به معنای وسیعش؛

ب: آمادگی برای فداکاری در راه پیاده کردن عدالت در سطح جهان، بعد از علم و شناخت عدل.

بشر این دو شرط اساسی را از ابتدای خلقت نداشته است؛ بلکه انبیا متکفل این دو امر مهم شده، و درصدد تربیت بشر برای رسیدن به آن دو بوده‌اند.

هر چند انبیا در شرط اول به موفقیت رسیده، و عدل را به معنای وسیع و همه‌جانبه‌اش برای مردم تبیین نموده‌اند؛ ولی در طول تاریخ خود نتوانستند شرط دوم را به طور کامل محقق سازند، و این نه به جهت قصور در انجام وظیفه آنان بوده؛ بلکه به خاطر قصور یا تقصیر از جانب مردم بوده است.

۲- انبیا در طول تاریخ بعثت خود، مردم را به هدف و غرض اساسی از خلقت بشر، که همان رسیدن به حکومت عدل توحیدی است، گوشزد می‌کرده‌اند.

۱- (ر. ک: شوشتری، ۱۴۰۹، ج ۱۳، ص. ۱۵۴)؛ مهدی موعود از فرزندان من است.

خداوند متعال می‌فرماید:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ (انبیاء، ۱۰۵) در زبور بعد از

ذکر [تورات] نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث [حکومت] زمین خواهند شد.

۱- برای هیچ‌یک از انبیا، شرایط اساسی و عمومی برای هدایت کل بشر، و تشکیل حکومت عدل توحیدی در سطح جهان فراهم نشد؛ زیرا دو شرط اساسی برای تشکیل چنین حکومتی فراهم نگشت:

الف: هر چند انبیا مفهوم عدل کامل، و به معنای وسیع آن را برای مردم تفهیم نمودند؛ ولی بشر به آن درجه از فهم و شعور نرسیده است تا به حقیقت آن در سطح گسترده‌اش پی برده باشد.

لذا هدف انبیای سابق بر حضرت موسی علیه السلام، ترسیخ و تثبیت عقیده مردم بوده، و تکالیف شرعی فرعی زیادی نداشته‌اند تا این‌که از زمان حضرت موسی علیه السلام تا عصر بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله - خصوصاً در شریعت اسلام - شرایع به صورت تفصیل، تبیین شده است.

ب- تاکنون هیچ امتی به حدی نرسیده است، که بتواند در راه پیاده شدن حکومت عدل توحیدی جهانی، فداکاری تام و تمام داشته باشد.

حضرت نوح علیه السلام ۹۵۰ سال قوم خود را به حق و حقیقت دعوت کرد؛ ولی به جز اندکی به او ایمان نیاوردند.^۱

قوم حضرت ابراهیم علیه السلام به جای پذیرش دعوتش، او را در آتش انداختند.^۲

قوم حضرت موسی علیه السلام درخواست او را برای مقابله با حاکمان ظالم فلسطین رد کردند، و او را تنها گذاشتند.^۳
حواریون حضرت عیسی علیه السلام در قدرت خداوند شک نمودند.^۴ و...

نتیجه این‌که: هر چند خطوط کلی و اساسی روز موعود از ابتدای خلقت ترسیم شده است؛ ولی هنوز شرایط تحقق و پیاده شدن آن فراهم نگشته است. (مرکز نشر اعتقادات، برگرفته از تارنمای اعتقادات)

۲- ماشیح (منجی موعود)

۲-۱- تاریخچه ظهور

تاریخ واقعی آمدن ماشیح^۱، رازی است که از بشر خاکی پوشیده است.

۱- ر. ک: عنکبوت، ۱۴.

۲- ر. ک: انبیاء، ۶۹.

۳- ر. ک: مائده، ۲۴.

۴- ر. ک: مائده، ۱۱۲.

در اشعیای نبی گفته شده:

نجات را در وقت مناسب آن تسریع خواهم کرد. (اشعیای نبی ۲۲: ۶۰)

در این مطلب، دو مفهوم ظاهراً متضاد بیان شده است:

الف: در وقت مناسب آن:

این وقت، از ابتدای آفرینش تعیین گشته است. این زمان موعود بدون قید و شرط است، و ارتباطی با لیاقت و شایستگی مردم جهان ندارد.

ب: تسریع خواهم کرد:

این عبارت به این معنی است، که نجات نهایی و ظهور ماشیح، ممکن است زودتر از زمان تعیین شده فوق، واقع شود.

نتیجه‌گیری از این موضوع بسیار روشن است، ماشیح می‌تواند به شرط لیاقت افراد بشر و تقدیر الهی، هر لحظه و یا هر روز و یا حتی قبل از زمان تعیین شده ظهور کند.

به نقل از تهیلیم:

امروز خواهد آمد، اگر به ندای او گوش دهید. (مزامیر داوود، ۷: ۹۵)

ماشیح در هر دوره‌ای وجود دارد؛ هر چند در خفا است، ولی زنده و حاضر است. او هر لحظه آماده برای ظهور بوده، و به مجردی که از جانب الهی به او ابلاغ شود، ظاهر خواهد گشت. در تمامی مدت قبل از وقت مناسب آن، زمان‌های مخصوص و بسیار مناسبی هستند، که به نحو آسان‌تری می‌توان باعث آمدن وی شد. فقط بر ما تکلیف است، که این فرصت‌ها را غنیمت شمرده، و آمدن ماشیح و نجات حقیقی را تسریع کنیم.

۲-۲- تنها منکر ماشیح

ربی هلیل^۲ - قرن چهارم - تنها کسی بوده، که در این باره با تردید سخن گفته است:

ملت اسرائیل، دیگر ماشیحی که ظهور کند، نخواهد داشت؛ زیرا که در زمان حیزقییا - سلطان یهودا - بهره خود را از او برده‌اند. (سنهدرین، باب ۹۸)

1. Messiah
2. Rabi Halil

در رد این ادعا گفته‌اند، که داوود از پیشینیان سزاوارتر بوده که ماشیح باشد؛ چرا که آن پادشاه اسرائیل، آن همه سرود در وصف جلال خدا تصنیف کرده، و خدا را مدح و ثنا نموده؛ ولی حیزقیبا با آن همه معجزات و آیات که برایش نمایان شده، حتی یک سرود هم به درگاه خداوند نخوانده است.

ربان یوحان^۱ - دانشمند قرن اول - در بستر مرگ چنین می‌گوید:
یک کرسی برای حیزقیبا - پادشاه یهود - که دارد می‌آید، آماده کنید.

این جمله رمزگونه علاوه بر پیش‌گویی ظهور ماشیح، دلالت می‌کند که حیزقیبا هم ماشیح بوده است. (قاسمی قمی، ۱۳۸۷، برگرفته از نشریه مشرق)

۳- منجی در عهد عتیق

۳-۱- موعودباوری در یهودیت

مستر هاکس^۲ درباره شیوع اعتقاد به ظهور و انتظار پیدایش یک منجی بزرگ جهانی در میان قوم یهود، می‌نویسد:

عبرانیان منتظر قدوم مبارک مسیح، نسلأ بعد نسل بودند، و وعده آن وجود مبارک، مکرراً در زیور و کتب پیامبران - علی‌الخصوص در کتاب اشعیا - داده شده است تا وقتی که یحیای تعمید دهنده آمده، به قدوم مبارک وی بشارت داده؛ لیکن یهود آن نبوات - پیش‌گویی‌ها - را نفهمیده، با خود همی اندیشیدند که مسیح، سلطان زمان خواهد شد، و ایشان را از ذلت جورپیشگان و ظالمان رهایی خواهد داد، و به اعلا درجه مجد و جلال ترقی خواهد کرد. (به نقل از کریستون، ۱۳۷۷، ص. ۸۰۶)

در دین یهود و کتاب تلمود - کتابی بسیار بزرگ که احادیث و احکام یهود را در بردارد - بارها به نجات‌بخشی آخرالزمان اشاره شده است؛ کسی که روزی خواهد آمد، و جهان را از نو می‌سازد. هم‌چنین انبیا به روزهای آخر، که هنوز فرا نرسیده است، به عنوان دورانی که در آن عظمت ملی یهود به آخرین حد اعتلای خود خواهد رسید، اشاره کرده‌اند.

این امید به آینده با گذشت زمان نه فقط شدت پیدا کرد؛ بلکه هم‌چنین رؤیای شگفت‌انگیزی که در جهان آینده تحقق خواهد یافت، در بر گرفت.

این آینده درخشان و باشکوه در اطراف شخصیت ماشیح، که از جانب خداوند مأموریت خواهد داشت تا این دوران تازه و پر از شگفتی‌ها را آغاز کند، تمرکز خواهد یافت.

کلمه فارسی مسیحا نیز از روی کلمه عبری ماشیح، و با توجه به تلفظ لاتین آن ساخته شده است. (توفیقی،

۱۳۸۱، ص. ۱۰۱)

1. Raban Yohanan
2. Mr. Hawks

ماشیح واژه‌ای عبری به معنای مسیح رهایی‌بخش است، و از ریشه عبری مشح؛ یعنی پاک کردن با روغن مقدس، مشتق شده است.

یهودیان مانند اقوام و ملل باستان، پیش از نصب پادشاه و کاهن، به سر آن‌ها روغن می‌مالیدند تا نشانه موقعیت جدید آن‌ها و نیز علامت آن باشد، که روح الهی در آن‌ها حلول کرده است.

قلمرو مفهومی واژه ماشیح، رفته‌رفته گسترش پیدا می‌کند، و معنای گوناگونی می‌یابد. کلمه ماشیح به تمام پادشاهان و پیامبران قوم یهود و همچنین به کورش - پادشاه ایران - و یا هرکس که خداوند او را مأمور انجام کار خاصی می‌کرد، اشاره داشت.

این کلمه در نهایت، معنی خاصی یافت، و اشاره به کسی داشت که از سوی خداوند فرستاده شده، و قداست خاصی دارد. (المسیری، ۱۳۸۳، ج ۵، ص. ۳۱۹)

طبق اعتقاد عمومی یهود، نام ماشیح جزو یکی از هفت چیزی است که پیش از خلق عالم هستی آفریده شده است. از آغاز خلقت عالم، پادشاه ماشیح به دنیا آمد؛ زیرا لزوم وجود او حتی پیش از آن‌که جهان آفریده شود، به ذهن خداوند خطور کرد. چنین عقیده‌ای در انجیل یوحنا درباره مسیح نیز وجود دارد.

ماشیح، انسانی آسمانی و موجودی معجزه‌گرا است، که خداوند قبل از خلقت جهان وی را آفرید، و او در آسمان می‌ماند تا زمان فرستادن وی فرا برسد، لذا به او پسر انسان نیز می‌گویند؛ زیرا به شکل انسان ظاهر می‌شود، هرچند که سرشت وی آمیخته‌ای از خدا و انسان است.

او تجسم خدا در تاریخ است، و پادشاهی از نسل داوود است، که پس از ظهور ایلیای نبی خواهد آمد تا مسیر تاریخ یهود، بلکه بشریت را اصلاح نماید.

او به رنج و محرومیت یهودیان پایان می‌دهد، و آن‌ها را رهایی خواهد بخشید. یهودیان پراکنده در تبعید را گرد هم آورده، و آن‌ها را به صهیون باز خواهد گرداند. دشمنان قوم اسرائیل را از بین برده و اورشلیم - قدس - را به پایتختی خود برخواهد گزید.

برخی از انبیا مژده داده‌اند، که این سلطنت تنها برای یهود نیست؛ بلکه همگانی است، و همه ملت‌های جهان از آن برخوردار خواهند شد.

یک یهودی نویسنده درباره آمدن داوود، می‌گوید:

یک عقیده عمومی وجود داشت، که حالت رفاه و آسایشی که به دست داوود پدید آمده تا ابد پایدار خواهد ماند، و ناتان نبی در پیشگویی خود مبنی بر جاودانگی تخت داوود، این نظر را تأیید کرد. (کتاب دوم سموئیل،

باب ۷، بندهای ۱۶-۱۲)

این باور به قدری قطعی بود، که گفته می‌شود خود داوود نیز آن را به پسرش سلیمان، مژده داده‌است. (کریستون، ۱۳۷۷، ص. ۲۰)

- مطلبی که در این میان از اهمیت بالایی برخوردار است، این‌که ماشیح چه زمانی ظهور خواهد کرد؟ به همین دلیل است که در دین یهود و در تلمود، محاسبات زیادی درباره تاریخ ظهور موعود یافت می‌شود، که اغلب آن‌ها تاریخی در حدود قرن پنجم میلادی را نشان می‌دهد. در جایی ایلای نبی به دانشمندی می‌گوید:

دنیا در حدود ۴۲۵۰ سال دوام خواهد داشت، و ماشیح در ۵۰ سال پایانی ظهور خواهد کرد.

با این حال این محاسبات از سوی بیشتر دانشمندان یهودی، قبیح شناخته شده، و اخطارهایی وجود دارد، که کسانی را که تاریخ پایان ذلت اسرائیل و ظهور ماشیح را محاسبه می‌کنند، لعنت می‌کند، و این بدان دلیل است که این کار امیدهایی در دل مردم ایجاد می‌کند، که اگر این امر محقق نشود، باعث یأس و ناامیدی مردم می‌شود؛ در صورتی که در تعلیمات این دین وجود دارد که:

اگرچه فرارسیدن پایان ذلت تأخیر یافت؛ اما در انتظارش باش.

درباره چگونگی وضع جهان پس از ظهور ماشیح نیز مطالب زیادی وجود دارد. در کتاب مزامیر داوود، چنین آمده است:

در زمان او صالحانف خواهند شکفت، و وفور سلامتی خواهند بود. مادامی که ماه نیست نگردد، او حکمرانی خواهد کرد؛ از دریا تا دریا و از نهر تا اقصای جهان. به حضور وی صحرائشینان گردن خواهند نهاد، و دشمنان او خاک را خواهند لیسید. (کتاب مزامیر، مزمور ۳۷ و ۷۲، بندهای ۱۲-۹ و ۱۸-۱۷ و ۷)

در جای دیگر از کتاب مزامیر آمده است:

قوم‌ها را به انصاف داوری خواهد کرد. آسمان شادی کند، و زمین مسرور گردد. دریا و پری آن غرش نمایند. صحرا و هر چه در آن است، به وجد آید. آن‌گاه تمام درختان جنگل، ترنم خواهند نمود به حضور خداوند؛ زیرا که می‌آید؛ زیرا که برای داوری جهان می‌آید. ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد، قوم‌ها را به امانت خود. (کتاب مزامیر، مزمور ۹۶، بندهای ۱۳-۱۰)

و در جایی دیگر، آثار به وجود آمده توسط ماشیح را بر دنیای آینده، در ۱۰ گفتار بیان کرده‌اند:

- ۱- او جهان را به نور خویش روشن خواهد کرد.
- ۲- خداوند از اورشلیم، آب روان جاری خواهد ساخت، و هر کس بیماری دشته باشد، به واسطه آن شفا خواهد یافت.
- ۳- درختان را وادار می‌کند تا هر ماه میوه آورند، و انسان از میوه‌های آن می‌خورد، و شفا می‌یابد.

- ۴- تمام شهرهای ویران شده را از نو آباد خواهد کرد، و در جایی ویرانه یافت نخواهد شد.
- ۵- خداوند اورشلیم را با سنگ‌های یاقوت، از نو بنا خواهد کرد.
- ۶- صلح جاویدان در سراسر طبیعت، حکمفرما خواهد شد.
- ۷- خداوند تمامی حیوانات و خزندگان را فرا می‌خواند، و با آن‌ها و با تمام اسرائیل عهد خواهد بست.
- ۸- گریه و شیون و زاری در جهان نخواهد بود.
- ۹- مرگ، دیگر در دنیا وجود نخواهد داشت.
- ۱۰- دیگر نه آه و ناله‌ای به گوش می‌رسد، و نه فریاد و فغانی؛ نه غم و اندوهی وجود خواهد داشت، و نه حزن و ماتمی. (کریسون، ۱۳۷۷، ص. ۲۰)

اعتقاد به منجی در دین یهود، سابقه‌ای طولانی داشته، و تاکنون نیز ادامه دارد. یکی از پایه‌های اساسی و اصول مهم آیین یهود، ایمان به آمدن ماشیح، و دوره نجات- دوره گئولا- است. هر یهودی باید اعتقاد داشته باشد، که ماشیح به پا خواسته، و پادشاهی خاندان داوید هم‌لیخ- داوود- را دوباره تجدید خواهد کرد.

هر کس که به او اعتقاد نداشته باشد، و یا کسی که چشم به راه آمدن او نباشد، نه تنها عملاً گفته‌های سایر انبیا را انکار کرده؛ بلکه تورات و مُشه ربنو- موسی- را نیز منکر شده است؛ زیرا تورات در مورد او شهادت می‌دهد، همان‌طوری که گفته شده:

خداوند، خدای تو، امیران تو را بازگردانیده، و بر تو ترحم خواهد کرد. او بازگشته و تو را جمع خواهد نمود. (سفر تثیبه، ۳۰: ۳)

طبق نظر هارامبام^۱- فقیه و فیلسوف یهودی- هر فرد یهودی که به ماشیح اعتقاد نداشته باشد، و یا چشم به راه آمدن او نباشد، منکر سخنان موسی و سایر انبیای بنی‌اسرائیل است؛ زیرا موضوع ماشیح- به دفعات- در متون مقدس عنوان گشته است.

در دین یهود، نجات‌بخش نهایی، ماشیح به معنای مسح و تدهین شده نام دارد، و به تصریح متون، از خاندان داوود پیامبر است. (شوحط، ۱۳۷۸، برگرفته از تارنمای انجمن کلیمیان تهران)

۳-۲- وعده ظهور منجی موعود در تنخ

در کتاب‌های مقدس یهود- تنخ- اشارات و تصریحات فراوانی به مسئله موعود جهانی شده است، و از جمله کتاب‌هایی که در آن‌ها به این موضوع اشاره شده: کتاب دانیال نبی، حجی نبی، صفینای نبی، اشعیای نبی و زبور داوود است.

1. Harambam

در تورات کنونی، خداوند به ابراهیم وعده داد، که زمین به ذریه او می‌رسد. برای نمونه، به یکی از این اشارات، که در مزامیر داود است، اکتفا می‌شود:

در حالی که این سرود را برای پادشاه می‌سرایم... تو از همه فرزندان آدم، زیباتری. بلاغت به لب‌های تو ریخته است، و از لبانت نعمت فیض می‌چکد، خداوند تو را تا ابد متبارک ساخته است.

ای پادشاه مقتدر! شمشیر جلال و جبروت را بر کمرت ببند، و شکوه‌مندان بر اسب خویش سوار شو تا از حقیقت و عدالت و حلم و تواضع دفاع کنی، قدرتت پیروزی بزرگ را نصیب تو می‌گرداند. تیرهای تو نیز به قلب دشمنان فرو می‌روند، و همه اقوام در برابر تو سقوط می‌کنند.

خداوند تخت فرمانروایی تو را جاودان کرده است. تو با عدالت و انصاف سلطنت می‌کنی. عدالت را دوست داری، و از شرارت بیزاری.

بنابراین خدایت تو را برگزیده و تو را بیش از هر کس دیگر شاد گردانیده است. تمام لباس‌هایت را از مر و عود سلیخه - معطر - آمیخته است.

ای پادشاه! نام تو را در تمام نسل‌ها شهرت خواهم داد، و همه مردم تا ابد سپاسگزار تو خواهند بود. (مزامیر، مزمور ۴۵)

۳-۲-۱- نقد و بررسی

برخی از یهودیان می‌گویند منظور از پادشاه، داوود، و منظور از پادشاه‌زاده سلیمان است. جماعت نصاری می‌گویند این مزمور در شان عیسی است؛ ولی به نظر می‌رسد هر دو نظریه باطل است.

بطلان نظریه یهود به این دلیل است که:

۱- حضرت داوود علیه السلام صاحب شریعت و احکام نبوده است تا از خدا بخواهد، که احکام خود را به او عطا کند.

بسیار بعید است که حضرت داوود علیه السلام در مقام دعا- که مقام خضوع و تذلل و خشوع است- خود را به نام پادشاه بخواند.

۲- به اعتقاد اهل کتاب و گواهی صریح کتاب مقدس، دایره ملک و فرمانروایی حضرت سلیمان علیه السلام - همانند پدرش داوود علیه السلام - تنها اورشلیم بوده است. (کتاب اول پادشاهان، باب ۱۱، آیه ۴۲)

۳- در عهد حضرت سلیمان علیه السلام به تصریح کتاب مقدس، ظلم و شرک به کلی بر چیده نشد؛ بلکه کتاب مقدس صراحت دارد، که خود حضرت سلیمان علیه السلام در آخر عمر دچار شرک و بت‌پرستی شد.

۴- مدت ملک و فرمانروایی حضرت سلیمان علیه السلام به صراحت کتاب مقدس، بیش از چهل سال ادامه پیدا نکرد.

بنابراین هیچ‌یک از ویژگی‌هایی که در عبارت مزمور ۷۲ آمده است، بر حضرت سلیمان علیه السلام قابل انطباق نیست.

بطلان نظریه مسیحیان نیز به خاطر این است، که:

- ۱- حضرت عیسی علیه السلام نه پدر داشت، و نه پسر؛ بنابراین نمی‌توان عبارت کتاب مزامیر را بر او منطبق ساخت.
- ۲- به اعتراف نصاری، حضرت عیسی علیه السلام حتی یک روز هم سلطنت و فرمانروایی نکرد.
- ۳- به شهادت و صراحت کتاب مقدس، عیسی علیه السلام صاحب احکام نبود؛ بلکه او تابع موسی و تورات او بود. (کتاب مقدس، انجیل متی، باب ۵، آیه ۱۹-۱۷)

به نظر می‌رسد منظور از پادشاه که صاحب احکام است، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و منظور از پسر پادشاه که جهان را پر از عدل و داد می‌کند، حضرت مهدی موعود علیه السلام باشد.

۳-۲-۲- منجی در انجیل

مسیح مبعوث شد تا مردم را بشارت دهد. کلمه انجیل از لغت یونانی گرفته شده و به معنای خبر خوش، و بشارت به رهایی آمده است. این بشارت، همان قیام ملکوت خداوند، و یا به تعبیر دیگری می‌توان از آن به حکومت توحیدی در سطح کره زمین یاد نمود.

در کتاب مقدس می‌خوانیم:

بر من واجب است تا تمام شهرها را به ملکوت خدا بشارت دهم، و برای این امر فرستاده شده‌ام. (عهد جدید، رقم ۴۳، ص. ۲۰۵)

در انجیل متی آمده است:

حضرت عیسی در جمیع شهرها و دهات سیر می‌کرد، و در مجامع آن‌ها مردم را تعلیم، و به ملکوت بشارت می‌داد. (انجیل متی، ۹/۶۲/۳۵)

مسیحیان نیز به آمدن منجی و مصلح نهایی در آخرالزمان عقیده دارند؛ اما منجی نهایی را مسیح می‌دانند. آن‌ها معتقدند که مسیح، سه روز پس از به صلیب کشیده شدن و دفن شدن، از قبر برخاست، به آسمان رفت، و در آینده از آسمان فرود خواهد آمد. آن‌ها معتقدند، که بازگشت مسیح^۱ جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. در مسیحیت - مطابق با عهد جدید - نجات‌دهندگی به عیسی نسبت داده شده است؛ زیرا او مأمور شده است، که امت خویش را از گناه نجات بخشد.

مسیحیان با تعابیر زیادی از آمدن مصلح جهانی خبر داده‌اند؛ گاهی از آن به ملکوت خدا تعبیر می‌کنند. از الفاظی هم‌چون شیلو، روح راستین و پسر انسان نیز بارها در آیات انجیل - برای بیان دوره آخرالزمان - استفاده گردیده است.

۴- مقایسه منجی در اسلام و مسیحیت

اسلام و مسیحیت شباهت‌هایی دارند به این دلیل، که مسیحیان نیز آرمان‌شهری^۱ را در آخرالزمان تفسیر می‌کنند، و معتقدند مسیح باز می‌گردد، و جهان را از این وضع نابسامان نجات داده، و اصلاح می‌کند. از این جهت با نگاه اسلام شباهت دارند؛ اما با این تفاوت که آن‌ها مسیح را مسئول اصلی می‌دانند، در حالی که در اسلام، حضرت مسیح علیه السلام یاور و وزیر حضرت مهدی علیه السلام دانسته می‌شود. (صادقی، ۱۳۹۰، برگرفته از تارنمای الف)

۵- تحلیل منجی در منابع اسلامی

خداوند به مسئله جهانی شدن اسلام- برای آرامش رسول خاتم علیه السلام - از طریق وحی اشاره فرموده است، که به نمونه‌ای از آن اشاره می‌گردد:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ (توبه، ۳۳) اوست خدایی که رسول خود را با دین حق، به هدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم او را تسلط و برتری دهد، هر چند مشرکان نخواهند.

این آیه که خبر از جهانی شدن اسلام می‌دهد، در سوره‌های مبارکه صف^۲ و توبه^۳ عیناً تکرار گشته، و با تفاوت مختصری در سوره فتح^۴ نیز آمده است. با توجه به این که آیه هیچ‌گونه قیدی ندارد، و به صورت مطلق ذکر شده، محدود به زمان پیامبر علیه السلام نیست، و پیروزی همه‌جانبه اسلام بر همه ادیان است. طبق روایات، غلبه بر همه ادیان، زمانی خواهد بود که منجی بشریت ظهور نماید، و برنامه جهانی شدن اسلام را تحقق بخشد.

در مورد آیه از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال شد: آیا خداوند مصداق این آیه را آشکار ساخته است؟ حضرت فرمود:

هرگز، سوگند به کسی که جانم به دست اوست، هیچ آبادی نمی‌ماند، مگر این که در صبح و شام در آن به وحدانیت خداوند، و رسالت رسول گرامی اسلام علیه السلام شهادت بدهند. در پرتو این حکومت، عدالتی را که همه ادیان در انتظار آن به سر می‌برند، بر سراسر گیتی حاکم خواهد کرد. (حسینی بحرانی، ۱۳۶۷، ص. ۱۱)

1. utopia

۲- ر. ک: صف، ۹.

۳- ر. ک: توبه، ۳۳.

۴- ر. ک: فتح، ۲۸.

با توجه به مطلب اشاره شده، لازم است مقداری اختصاصی‌تر در خصوص منجی در میان تشیع و تسنن، اشاره شود:

۵-۱- اعتقاد شیعه در نگاه علامه طباطبایی

علامه طباطبایی در خصوص آثار باور به امام غایب از نظر شیعه می‌نویسد:

تصور ظهور مهدی علیه السلام در ردیف تصور قیامت می‌باشد، که مشابه اعتقاد به پاداش و جزای اعمال، موجب حفاظت حیات معنوی مسلمانان می‌شود.

این باور مربوط به دو قرن و نیم پس از ظهور اسلام نیست؛ بلکه پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از ولادتش بشارت داده که برای شیعیان معتقد، از آغاز، نقطه امید بوده است.

باور به ظهور مهدی علیه السلام به انسان نوید می‌دهد، که جهان بشری سرانجام روزی به کمال مطلوب - که حیات سراسر سعادت و خوشبختی و کامیابی است - دست خواهد یافت. با وجود ایمان به چنین حقیقتی، تصور شکست خوردن و بی‌فایده بودن تلاش برای انسان مسلمان، محال است.

با چنین ایمانی، مسلمان پیوسته خود را کامیاب می‌یابد، و هرگز در اثر انباشت مشکلات و گرفتاری‌ها امید نجات و رستگاری را از دست نخواهد داد. (طباطبایی، ۱۳۵۶، ص. ۶۲)

۵-۲- اعتقاد اهل سنت در نگاه عالمان این مذهب

مطالب منقول از علمای اهل سنت در خصوص منجی آخرالزمان، کم نیستند، که در این جا تنها به ذکر سه مطلب اکتفا می‌شود:

سوییدی می‌گوید:

آنچه بر آن اتفاق دارند، این است که مهدی آن کسی است که در آخرالزمان قیام می‌فرماید، و زمین را پر از عدل و داد می‌کند. (به نقل از صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص. ۳۱۲)

آلوسی - یکی دیگر از علمای اهل سنت - می‌گوید:

بر اساس صحیح‌ترین گفته‌ها نزد بیشتر اندیشمندان، ظهور مهدی از جمله نشانه‌های قیامت است، و نظر برخی از اهل سنت که آمدن وی را انکار نموده‌اند، فاقد ارزش و اعتبار است. (فقیه ایمانی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص. ۱۶۰ و ۱۵۸)

ابن خلدون در بیان عقیده مسلمانان - در مورد امام مهدی علیه السلام - می‌نویسد:

مشهور بین همه اهل اسلام این است، که حتماً در آخرالزمان مردی از اهل بیت ظهور می‌کند، که دین را حمایت و عدل را آشکار می‌کند، و مسلمانان از او پیروی می‌کنند، و او بر ممالک اسلامی استیلا می‌یابد. آن شخص، مهدی نامیده می‌شود. (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱، ص. ۵۵۵)

بنابراین، این اعتقاد ناشی از کثرت احادیثی است، که از طرق عامه نقل شده است.

۳-۵- مشترکات مهدویت

در این قسمت، به برخی از مشترکاتی که در رابطه با حضرت مهدی موعود علیه السلام بین دو مذهب تشیع و تسنن وجود دارد، اشاره می‌شود:

۱- حتمی بودن ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام؛

۲- ویژگی‌های جهانی حضرت مهدی علیه السلام؛

از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به: قدرتمند بودن هنگام ظهور و چهره نورانی حضرت، اشاره کرد.

۳- هم‌نام بودن حضرت مهدی علیه السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛

۴- زمینه‌های ظهور؛

به عنوان مثال می‌توان به: ناامیدی کامل مردم و فراگیر شدن ظلم، اشاره کرد.

۵- نشانه‌های ظهور؛

از جمله نشانه‌های مشهور، عبارت است از: ندای آسمانی، خروج سفیانی، خسف در بیداء و قتل نفس زکیه.

۶- امور مربوط به ظهور حضرت؛

از جمله این امور، می‌توان به این موارد اشاره کرد: اصلاح امر ظهور در یک شب، بیعت با حضرت، نزول

فرشتگان برای یاری حضرت، نزول عیسی علیه السلام و اقتدا به حضرت مهدی علیه السلام.

۷- ویژگی‌های حکومت حضرت؛

از جمله این ویژگی‌ها، می‌توان از این موارد نام برد: عدالت‌گستری، رفاه و آسایش عمومی، امنیت

همه‌جانبه، احساس بی‌نیازی در مردم، غلبه اسلام بر سایر ادیان و جهانی بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام.

۶- نتیجه‌گیری

اندیشه نجات‌بخشی و اشاره به موعودی که در پایان جهان خواهد آمد، و نظامی منطبق با قوانین الهی و آسمانی خواهد ساخت، در ادیان وجود دارد.

ادیان ابراهیمی در اعتقاد به ظهور منجی در آخرالزمان، دارای اشتراکاتی هستند، هم‌چون:

- او از خاندان نبوت است.

- دارای همه صفات پسندیده می‌باشد.

- در همه ادیان، نوعی اعجاز در مسایل مربوط به موعود دیده می‌شود.

در عین حال، و در مواردی نیز با هم اختلاف نظر دارند؛ به عنوان مثال:

- این موعود کیست؟
- چه موقع و کجا ظهور خواهد کرد؟
- وصف جهان انتظار در ادیان گوناگون حکایت از الگوی واحدی دارد، و آن جامعه‌ای است که در زمینه‌های فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی به ابتدال کشیده شده، و فساد و تباهی به اوج خود رسیده؛ آن‌گاه است که فرج نزدیک است.

همه در انتظار برپایی جامعه آرمانی می‌باشند، که هدف نهایی آن، این است که انسان‌ها به کمال حقیقی برسند؛ کمالی که جز بر اثر خدانشناسی، خداپرستی، اطاعت کامل و دقیق از اوامر و نواهی الهی و کسب رضای خداوند، و تقرب به درگاه او حاصل‌شدنی نیست. جامعه‌ای که خداوند وعده فرموده است، جامعه‌ای است که افرادش عقاید، اخلاق و اعمال موافق با تعالیم و احکام اسلامی دارند.

آن‌چه مسلم است، این‌که نمی‌توان پیروان تمام مذاهب را به یک منجی واحد دعوت کرد؛ چرا که هر کدام منجی خود را به گونه‌ای خاص توصیف می‌نمایند؛ اما می‌توان با امیدوار کردن مردم به ظهور منجی، نور امید را در دل‌ها تابانید، و بدین‌سان پیوندی قلبی بین منتظران و منجی آخرالزمان به وجود آورد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- المسیری، عبدالوهاب، (۱۳۸۳)، دائرةالمعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم، به ترجمه مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های تاریخ خاورمیانه، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین.
- ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن، (۱۳۶۳)، تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- توفیقی، حسین، (۱۳۸۱)، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران: انتشارات سمت.
- حسینی بحرانی، سید هاشم، (۱۳۶۷)، المحجة فیما نزل فی التائم الحجّة، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، تهران: نشر آفاق.
- زین‌الدین، محمد امین، (۱۳۷۱)، مع الدكتور احمد امین فی حدیث المهدی والمهدیه، نجف: دارالنشر والتألیف.
- شوخط، ایمانوئل، (۱۳۷۸)، "משיח" ماشیح: ناجی جهان در پرتو قوانین و اعتقادات یهود. (HYPERLINK "http://www.iranjewish.com/essay/Essay_4_Mashiah_Part1.htm")
(http://www.iranjewish.com/essay/Essay_4_Mashiah_Part1.htm)
- شوشتری، نورالله بن شریف‌الدین، (۱۴۰۹)، احقاق الحق وازهاق الباطل، قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله، (۱۳۸۰)، امامت و مهدویت، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۸۶)، شیعه در اسلام، تهران: دارالکتب الاسلامی.
- همان، (۱۳۵۶)، ظهور شیعه به ضمیمه مصاحبه پروفیسور کربن، تهران: انتشارات مرصاد.
- فقیه ایمانی، مهدی، (۱۴۱۸)، الامام المهدی عند اهل السنة، اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام.
- قاسمی قمی، جواد، ماشیح؛ منجی یهود به روایت تلمود، مشرق، سال دوم، ۸ (۱۳۸۷).
- کتاب مقدس: اشعیاى نبی.
- کتاب مقدس: انجیل متی.
- کتاب مقدس: سفر تثنیه.
- کتاب مقدس: سهندرین.
- کتاب مقدس: عهد جدید.
- کتاب مقدس: کتاب اول پادشاهان.
- کتاب مقدس: کتاب دوم سمویل.
- کتاب مقدس: مزامیر داوود.
- کریستون، جولوس، (۱۳۷۷)، انتظار مسیحا در آیین یهود، ترجمه حسین توفیقی، قم: انتشارات مرکز مطالعات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۹۸ق)، قیام و انقلاب مهدی، تهران: مؤسسه انتشارات حکمت.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۸)، حکومت جهانی حضرت مهدی، قم: انتشارات نسل جوان.
- <http://www.alef.ir/vdcgun9qtak9wy4.rpra.html?13txt>
- <http://www.eteghadat.com/forum/topic-t5284.html>